

\*

نظری به وضع جمعیتی چین

اطلاعات آماری در مورد پر جمعیت ترین کشور جهان بسیار ناقص و در مواردی ناهمگو است . شاید آثار و نوشته‌های جمعیت شناسان آمریکایی است که بیش از همه مطالبی در این زمینه به دست می دهد . در طول تاریخ جدید این کشور که از آغاز انقلاب کمونیستی و تغییر نهادهای اجتماعی شروع می شود تنها یک بار ، آن هم در سال ۱۹۵۳ جمعیت مورد شمارش قرار گرفته است و ثبت وقایع حیاتی نیز که از سال ۱۹۵۱ در شهر آغاز شده ، هنوز هم در تمام نقاط آن کشور عمومیت نیافته است .

دخالت خارجی‌ان در چین ، مخصوصاً " بعد از جنگ تریاک در ۱۸۳۹ و به دنبال آن شورشی‌های معروف Tai-Ping (۱۸۶۴-۱۸۵۰) نه تنها موجب توقف رشد جمعیت ، بلکه باعث کاهش تعداد آن از حدود ۴۳۰ میلیون نفر در سال ۱۸۵۰ به ۴۰۰ میلیون نفر در سال ۱۸۷۰ گردید که اثر آن نه تنها در جمعیت چین و تغییر و تحول بعدی آن مشهود است ، بلکه حتی آنچنانکه منحنی زیر نشان می دهد در تغییر و تحول جمعیت مجموعه کشورهای جهان سوم نیز بی تأثیر نبوده است :



\* این مطالعه به روشی که برای بررسی‌های جمعیتی در غرب معمول است انجام گرفته است .

کولین کلارک در مقاله‌ای که در شماره ششم سال ۱۹۶۶ مجله *Population* (۱) انتشار یافته است به بحث درباره جمعیت چین و تغییر و تحول آن از سال ۱۹۱۵ به بعد می‌پردازد. به نظر وی جمعیت این کشور پس از یک دوره رکود با رشد متوسطی معادل ۷۵/۰ درصد در سال افزایش می‌یابد تا به حدود ۵۶۰ میلیون نفر در سال ۱۹۱۵ برسد. لکن هجوم ژاپن بین سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۳۷ مجدداً باعث کاهش رشد جمعیت می‌گردد. آنچنانکه سرشماری ۱۹۵۳ جمعیت این کشور را ۵۸۳ میلیون نفر اعلام می‌دارد.

مطالعات زیادی در مورد نخستین سرشماری چین در سال ۱۹۵۳ صورت گرفته و برخی از جمعیت‌شناسان نظیر R. Pressat به دلایلی چند آن را توافقی با نکات ضعف زیادی می‌دانند. گذشته از آن هر نوع شمارش جمعیتی از روی دفاتر ثبت آراء انتخاباتی، که نخستین سرشماری چین نیز به مقیاس بسیار وسیعی از آن متأثر می‌باشد، با نوعی کم‌شماری همراه است، چه معمولاً در این نوع شمارشها تنها افرادی که در محل اقامت معمولی خود بسر می‌برند به حساب می‌آیند نه کلیه کسانی که در لحظه سرشماری در منطقه معینی هستند. علاوه بر آن در چنین شمارشی کسانی که محروم از حق رأی بوده و نامشان در دفاتر انتخاباتی ذکر نشده است به حساب نمی‌آیند.

Leon Tabah جمعیت‌شناس فرانسوی این تعداد را در نخستین سرشماری چین بالغ بر ده میلیون نفر می‌داند. بدین ترتیب نه تنها در مورد تعداد کل جمعیت بلکه حتی درباره میزانهای موالید، مرگ و میر و رشد جمعیت این کشور در دهه ۱۹۵۰ نیز بین جمعیت‌شناسان اتفاق آراء وجود ندارد. Chandrasekhar جمعیت‌شناس هندی میزانهای مذکور را برای سال ۱۹۵۷ به ترتیب ۳۴ در هزار، ۲۳ در هزار برآورد کرده است، در حالی که یک مطالعه جمعیتی در ۲۹ شهر و ۶ شهرستان از ۶ ایالت مختلف این کشور نتایجی به شرح زیر داده است:

— میزان موالید	۳۷ در هزار
— میزان مرگ و میر	۱۷ در هزار
— میزان رشد سالانه جمعیت	۲۰ در هزار

درحالی که در بررسی Pressat میزان مولید این کشور در حوالی سال ۱۹۵۷، ۴۰ درهزار و میزان رشد سالانه آن حدود ۲/۳ درصد برآورد شده است که بیشتر مقرون به واقع می نماید. گزارشات کم و بیش تاء بید شده‌ای نشان می دهد که در سال ۱۹۶۴ نیز تلاش دیگری در جهت برآورد تعداد کل جمعیت چین به عمل آمده است، لکن هیچ گونه اطلاع دقیقی درباره کیفیت آن وجود ندارد. تنها از اظهار نظر کارشناسان و چگونگی گزارشات منتشره می توان دریافت که چنین شمارشی منحصر " بر پایه نوعی نمونه گیری بسیار محدود می توانست امکان پذیر باشد. زیرا چین برعکس کشور های دیگر فاقد سازمان آمار گسترده و مجهزی است که بتواند یک سر شماری بزرگ جمعیتی را در مدتی کوتاه به انجام برساند. وسعت کشور، تنوع آب و هوا، عدم توسعه وسایل و راههای ارتباطی در سطح روستاها نیز از جمله عواملی است که انجام سریع هر نوع بررسی جمعیتی را در این کشور مشکل می سازد. با توجه به این مسائل است که برخی از جمعیت شناسان از جمله Pressat می نویسند که هر نوع تلاشی در جهت برآورد جمعیت چین با تقریب قابل ملاحظه‌ای همراه خواهد بود و این تقریب حتی می تواند حدود صد میلیون نفر در کل جمعیت چین باشد.

John S. Aird جمعیت شناس دیگری که مطالعات زیادی در مورد چین انجام داده است حدود کم شماری جمعیت این کشور را در سرشماری سال ۱۹۵۳ بین ۵ تا ۱۵ درصد می داند.

اخیرا " دو جمعیت شناس فرانسوی به اسامی A. Sauvy و Paul Paillet کوشیده اند از ورای اطلاعات رسمی و مجموعه مطالعات و بررسیها شمایی کلی از تغییر و تحول جمعیت این کشور رابه دست دهند<sup>(۲)</sup>. از نظر آنان نیز جمعیت چین در سر شماری ۱۹۵۳ به علل زیر کمتر از تعداد واقعی برآورد شده است:

۱- طولانی بودن زمان سر شماری، آنچنانکه تا پایان ۱۹۵۳ تنها ۲۹ درصد از جمعیت این کشور مورد شمارش قرار گرفته بود.

۲- نحوه گرد آوری اطلاعات که مبنی بر شمارش افراد بر پایه محل اقامت دائم بوده است یعنی کسانی که از ۶ ماه پیش در محل سر شماری اقامت داشته اند مورد شمارش قرار می گرفته اند، لکن آن عده از افرادی که طول مدت اقامتشان در محل سکونت

جدید کمتر از شش ماه بوده است می بایست در حوزه های دیگر جزو افراد خانواده ای که بدان تعلق داشته اند به حساب آیند. آشکارا پیداست که درچنین روشی درصد فراموشیها ناچیز و قابل اغماض نخواهد بود .

۳- رقم ۱۰۷/۷ ، یعنی نسبت جنسی ماء خوداز سرشماری ، باتوجه به اوضاع و احوال در نیمه اول قرن بیستم ووجود جنگهای داخلی وخارجی وبالنتیجه مرگ ومیربیشتر مردان ، تا حدی بالاست . دراین مورد هرگاه اثر مهاجرت های هم زمان با استقرار رژیم جدید را نیز ، که تعداد آن از طرف جمعیت شناسان سازمان ملل متحد بین ۱۰ تا ۱۲ میلیون نفر برآورد گردیده است ، در نظر آوریم در آن صورت نسبت جنسی ، به هنگام سرشماری سال ۱۹۵۳ به زحمت می توانست از رقم ۱۰۰ تجاوز نماید . مفهوم دیگر این بیان آن است که احتمالاً " تعداد زنان در سر شماری ۱۹۵۳ کمتر از عده واقعی برآورد شده است .

۴- در نشریه ای که به سال ۱۹۶۰ تحت عنوان Ten great years به زبانهای خارجی در پکن منتشر ودر آن آمار وارقام مربوط به توسعه اقتصادی و فرهنگی چین ارائه شده ، جمعیت این کشور در سال ۱۹۵۳ ، یعنی در همان سر شماری ، ۵۹۵ میلیون نفر ذکر گردیده است که حدود ۱۲ میلیون نفر بیش از رقم داده شده به وسیله سر شماری است که خود نایبیدی بر کم شماری جمعیت در سال ۱۹۵۳ می باشد . لکن با وجود این نکات ضعف باید گفت که سر شماری سال ۱۹۵۳ چین در مطالعات جمعیتی از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود ، زیرا تنها سر شماری این کشور در دوران جدید می باشد . ذیلاً خلاصه ای از نتایج آن را ذکر می نمایم :

۱- تعداد کل جمعیت ۵۸۲/۶ میلیون نفر

۲- توزیع جمعیت در مناطق بزرگ چین :

"	"	۲۸/۱	ناحیه غربی شامل پنج منطقه
"	"	۲۱۰/۴	ناحیه شمالی شامل هشت منطقه
"	"	۳۴۴/۱	ناحیه جنوبی شامل دوازده منطقه

## ۳- توزیع نسبی جمعیت در گروههای سنی به تفکیک جنس

درصد به کل جمعیت

گروه سنی	دوجنس	مرد	زن
۴-ساله	۱۵/۶	۸/۰	۷/۶
۱۴-۵ساله	۲۰/۳	۱۰/۹	۹/۴
۲۴-۱۵ساله	۱۷/۳	۹/۱	۸/۲
۳۴-۲۵ساله	۱۴/۶	۷/۸	۶/۸
۴۴-۳۵ساله	۹/۳	۴/۷	۴/۶
۶۴-۵۵ساله	۶/۵	۳/۳	۳/۲
۷۴-۶۵ساله	۳/۴	۱/۵	۱/۹
۷۵ساله به بالا	۱/۰	۰/۷	۰/۷

که از روی آن توزیع جمعیت در سه گروه بزرگ سنی به شرح زیر خواهد بود:

گروه سنی	دوجنس	مرد	زن
۱۴-۰	۳۵/۹	۳۶/۵	۳۵/۳
۵۹-۱۵	۵۶/۸	۵۷/۱	۵۶/۴
۶۰ به بالا	۷/۳	۶/۴	۸/۳
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

از روی نتایج نخستین سر شماری چین وبا استفاده از آماروارقام منتشره به وسیله سازمان پست در سال ۱۹۲۶، سازمان گمرک در سال ۱۹۳۱ و وزارت کشور در سالهای ۱۹۳۱ و ۱۹۳۶ و ۱۹۴۷ و با یک گرفتن از نتایج مطالعاتی که به وسیله ویلکا کس J. Durand, Colin Clark, W.F. Willcox صورت گرفته، سیر تحولی

جمعیت چین از ۱۷۴۰ تا ۱۹۵۳ به شرح زیر تعیین و برآورد شده است :

سال	جمعیت
۱۷۴۰	۲۱۰ میلیون نفر
۱۸۴۰	" " ۴۱۰
۱۸۶۰	" " ۴۷۰
۱۸۷۰	" " ۴۰۰
۱۸۸۰	" " ۴۳۵
۱۸۹۰	" " ۴۷۵
۱۹۰۰	" " ۵۱۵
۱۹۱۰	" " ۵۵۵
۱۹۲۰	" " ۵۷۵
۱۹۳۰	" " ۵۷۵
۱۹۴۰	" " ۵۷۰
۱۹۵۰	" " ۵۷۰
۱۹۵۳	" " ۵۹۶

که نشان دهنده دو دوره مهم رکود جمعیتی یکی بین سالهای ۱۸۶۰ و ۱۸۸۰ و دیگری در فاصله سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ است که اولی بسیار مهمتر و دربرگیرنده نتایج شورشهای Tai-Ping و قحطیها و اپیدمی های بعد از آن می باشد.

ذکر این نکته ضروری است که نسبت بیشتری از جمعیت چین ساکن مناطق روستایی هستند، آنچنانکه در سال ۱۹۵۳ از حدود ۵۹۶ میلیون نفر کل جمعیت، تنها ۷۹ میلیون نفر، یعنی ۱۳/۳ درصد آن در مناطق شهری سکونت داشته اند. این رقم در سال ۱۹۵۶ از ۹۰ میلیون نفر یعنی ۱۴/۲ درصد کل جمعیت تجاوز نمی کرد.

گرچه در فاصله سالهای ۷۲-۱۹۵۷ هیچ گونه آمار و ارقام رسمی درباره جمعیت چین و تعداد آن منتشر نشده، برپایه قرائنی که با توجه به برخی از سخنان رهبران این کشور در سال ۱۹۷۲ نیز تائید می شود نوعی شمارش جمعیتی و لو به صورت تقریب در سالهای ۶۵-۱۹۶۴ نیز انجام شده که نتایج آن، به عللی معلوم

نیست ، حتی به صورت ارقام کلی هم انتشار نیافته است و در نتیجه جمعیت‌چین و تعداد نزدیک به واقعی آن نیز معلوم نیست و حتی از ورای اطلاعات رسمی نیز نمی‌توان به رقم قابل اعتمادی دست یافت . چهبه عنوان مثال اطلس جغرافیای جهانی چاپ چین جمعیت‌این کشور را در سال ۱۹۷۲ حدود ۶۸۶ میلیون نفر اعلام می‌دارد ، در همان حال نمایندهٔ آن کشور در کنفرانس محیط زیست در استکهلم چین را یک کشور ۹۰۰ میلیون نفری معرفی می‌کند . و چوئن لای در مصاحبهٔ ۲۷ اوت همان سال از رقم ۷۰۰ میلیون نفر سخن به میان می‌آورد . در هر حال بر پایهٔ آخرین برآورد دفتر مآخذ جمعیتی واشنگتن (Population Reference Bureau) جمعیت چین در میانهٔ سال ۱۹۷۵ حدود ۸۲۳ میلیون نفر بوده است .

در مورد سیاست‌های جمعیتی این کشور باید خاطر نشان ساخت که برعکس افکار سوسیالیستی سیاست جمعیتی چین متأثر از اوضاع و احوال اقتصادی-سیاسی در چهار چوب نوعی الزامات جمعیتی بوده و مراحل مختلف اتخاذ و تغییر چنین سیاستی به شرح زیر بوده است :

۱- برای نخستین بار چوئن لای در هشتمین کنگرهٔ حزب کمونیست در سال ۱۹۵۶ اتخاذ نوعی سیاست جمعیتی را در زمینهٔ تحدید موالید اعلام داشت ، که مقدمات آن از اوایل سال ۱۹۵۵ فراهم شده بود ، لکن ریشه‌های اصلی این سیاست را باید در نتایج سر شماری ۱۹۵۳ چین جستجو کرد ، چه رهبران آن کشور جمعیت چین را خیلی کمتر از رقم ۵۸۳ میلیون نفری تصور می‌کردند که سر شماری مذکور بدان رسیده بود . مخصوصاً "بالا بودن میزان رشد جمعیت در حد دو درصد که بر پایهٔ آن جمعیت در هر سی و پنج سال دو برابر می‌شود نگرانیهای زیادی ، چه در زمینهٔ تأمین نیازهای اساسی و چه در جهت بهبود سطح زندگی مردم ، ایجاد می‌نمود . این اوضاع و احوال رهبران چین را به اتخاذ سیاستی مخالف با افکار سوسیالیستی رهنمون کرد .

۲- سیاست کنترل موالید پس از مدت کوتاهی به طور موقت به بوتهٔ فراموشی سپرده شد ، زیرا سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ در تاریخ جدید چین از جملهٔ پر بارترین سالهای کشاورزی بود ، در این دوره ، کمبود نیروی کار در مناطق کشاورزی مخصوصاً " بر اثر مهاجرت‌های وسیع روستاییان به مناطق صنعتی که از حوالی سال ۱۹۵۴ شروع شده بود ، مشکلات زیادی در زمینهٔ برداشت محصولات کشاورزی که متکی به نیروی کار کارگران ساده بود ، ایجاد کرد . به دنبال آن ستاره سرخ نوشتن تأثیر از مدت‌پاییش به این

نتیجه رسیده است که افزایش جمعیت نه تنها مانع توسعه اقتصادی نیست ، بلکه نیرویی در جهت گسترش آن محسوب می شود . بدیهی است که این نوشته کافی بود تا سیاست کنترل موالید را که به وسیله نخست وزیر وقت در کمیته مرکزی حزب اعلام شده بوده به بوته فراموشی بیفکند . گرچه به ظاهر نیاز به نیروی کار عامل اصلی اتخاذ چنین روشی تلقی شد ، لکن اثر عوامل دیگر ، مخصوصاً " عامل سیاسی را نیز در این زمینه نباید نادیده گرفت ، چه در این دوره ، اختلافات مسلکی بین چین و شوروی به اوج خود رسید . خروشچف با قبولاندن نظر خود در بیستمین کنگره حزب کمونیست شوروی ، سیاست اعمال فشار به چین را در پیش گرفت و ترجیح داد به جای کمک به چین از کشورهای بیطرفی چون هند و مصر جانبداری نماید و سهم بیشتری از کمکهای خارجی خود را به این کشورها اختصاص دهد . سیاست معروف به " همزیستی مسالمت آمیز " نیز که باعث نزدیکی بیشتر رهبران شوروی و جهان سرمایه داری می شد از نظر رهبران چین به زیان آن کشور تلقی شد و موجب بدبینی و در نتیجه ایجاد فاصله بیشتر بین چین و شوروی گردید . رهبران چین در مقابل مسائل بزرگی که رویاروی توسعه اقتصادی آن کشور قرار گرفته بود ، دوره " جهش بزرگ به جلو " را اعلام و روز به روز از روسیه دورتر شدند . در این دوره ، نمایل به تاء مین یک رشد همه جانبه اقتصادی رهبران چین را بر آن داشت که فرمول روسها را که تاء کید بر توسعه صنعتی شوروی نمود و باعث وابستگی بیشتر اقتصاد چین به روسیه می شد مورد تجدید نظر قرار دهند . در چنین اوضاع و احوالی مائودر اوت ۱۹۵۷ خطاب به مردم چین گفت " روی دوپاراه بروند " یعنی به همان اندازه که درباره توسعه صنعتی می اندیشند به کشاورزی نیز توجه داشته باشند و استقلال اقتصادی خود را تاء مین نمایند . در این دوره سیاست تحدید موالید از نظر رهبران چین عامل نامناسبی در جهت روانشناسی انقلابی در دوران جهش بزرگ به حساب آمد و بارها از قول رهبر کشور گفته شد که " تنها سرمایه چین وجود ۷۰۰ میلیون نفر چینی است " . (۳)

درین دوره ایده توسعه جمعیتی ، نیروی کار و نیروی نظامی لازم را در اختیار کشور قرار می داد و در نتیجه اشتباه محض بود که نیروی انسانی را با پذیرش سیاست تحدید موالید از بین برد .

۳- بعد از سالهای پربار ۵۸-۱۹۵۷ اوضاع و احوال جوی تغییر یافت و در فاصله سالهای ۶۱-۱۹۵۹ طغیانها و خشک سالیهای مناطق مختلف منجر به نقصان و بدی محصول

(۳) این جمله اقتباس از افکار و نظریات ژان بودن و میرابواست که اولی گفته "هیچ ثروت و هیچ قدرتی بالاتراز جمعیت نیست " و دومی جمعیت را " برترین ثروت جامعه " شمرده بود .



کشاورزی گردید و در نتیجه نارساییهای سیاست جمعیتی دوران جهش بزرگ آشکار گردید و کمبود محصولات کشاورزی مخصوصاً " در شهرها رهبران چین را بر آن داشت که لااقل در یکدوره کوتاه مدت تلاشهای صنعتی رافدای توسعه کشاورزی نمایند. افزایش شدید احتیاجات غذایی، دوباره توسل به سیاست کنترل موالید را ضروری ساخت و گرچه از این زمان به بعد سقط جنین عمل بدی تلقی می شد، لکن استفاده از طریق دیگر کنترل موالید تشدید شد و هرچند که زوجین نیز در تعیین تعداد بچههای خود آزاد گذاشته شدند، لکن مراکز تنظیم خانواده در بطن انجمنهای محلی حزب کمونیست و سا زمان زنان گسترش یافت. از سالهای ۱۹۶۲-۶۳ به بعد تبلیغات وسیعی درباره تنظیم خانواده شروع شد و کمیته زنان مورا اجرای سیاست حزب در این زمینه گردید. این کمیته مسئولیت آموزش و ایجاد آگاهیهای مربوط به تنظیم خانواده را به عهده گرفت و از همکاری گسترده فدراسیون زنان و اتحادیه جوانان کمونیست نیز در این زمینه استفاده کرد و مناسبترین سن برای ازدواج زنان ۲۵ سالگی به بعد و برای ازدواج مردان ۳۰ سالگی به بعد تعیین شد. دانشجویان از ازدواج به هنگام تحصیل بر حذر زنان و مردان جوان نیز پس از ازدواج به انتخاب محل کار در مناطق جغرافیایی دور از هم تشویق شدند. در نتیجه میزان موالید بشدت کاهش یافت و این کاهش نه تنها اثر پابین آمدن میزان مرگ و میر را جبران نمود، بلکه حتی موجب کاهش رشد جمعیت، مخصوصاً در مناطق شهری شد. چوئن لای در مصاحبه ای با P1-Chao Chen استاد دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه ایالت Wayne، که در ۲۷ اوت ۱۹۷۲ انجام داد، نظر خود را درباره سیاست جمعیتی کشور به شرح زیر بیان داشت:

"باستناد سر شماری ۶۵-۱۹۶۴ جمعیت چین بالغ بر هفتصد میلیون نفر است که با رشد سالانه کمی پایین تر از دو درصد افزایش می یابد. از ده سال پیش دولت به انحای مختلف خدمات تنظیم خانواده را به منظور تسهیل تنظیم موالید به طور رایگان در اختیار مردم قرار داده است و این سیاست که به وسیله پرزیدنت مائو اعلام شده است، دولت را موظف می سازد تا تمام امکانات لازم را برای حمایت همشهریان و کمک به آنها که خواهان استفاده از این نوع خدمات هستند به عمل آورد. بر پایه سیاستی که در حوالی ۱۹۵۵ تعیین شده است تنظیم خانواده در ایالات و نواحی خود مختار شمالی، یعنی مناطقی که از اقلیتهای نژادی تشکیل یافته اند، اعمال نمی شود، زیرا بالا بودن میزانهای باروری احتمالاً به تعدیل نابرابریها و تصحیح تراکم جمعیت در این مناطق خواهد انجامید".

به نظر چوئن لای برنامه کنترل موالید به طور رضایت بخشی در مناطق شهری

پیشرفت کرده و رشد طبیعی جمعیت مناطق شهری را در حدیک درصد تثبیت نموده است  
 لکن عقب ماندگیهای اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و ناکافی بودن کادر و تاءسیسات  
 پزشکی باعث تضعیف روال عادی این برنامه در روستاها شده است و علاقه روستاییان به  
 داشتن فرزند پسر نیز ، همچنانکه چندسال پیش پرزیدنت مائو در مصاحبه‌ای به ادگار ا سنو  
 بیان داشته بود ، از موانع اجرای این برنامه در مناطق روستایی محسوب می شود .

علاوه بر اظهار نظر چوئن لای در باره دومین سر شماری کشور منابع دیگری  
 نیز انجام آن را تاءیید و مورد بحث قرار داده اند (۴) از جمله نشریه China Monthly  
 هنگ کنگ در شماره نوامبر ۱۹۶۸ می نویسد " به یقین یک سر شماری در سال ۱۹۶۴ در چین  
 انجام گرفته است و این اطمینان نه تنها بدان جهت است که چین پس از گذشت ۱۰ سال  
 از سر شماری اول خود نیاز به سر شماری دیگری داشت ، بلکه به این علت نیز می باشد که  
 تمام کسانی که از نواحی مختلف چین به هنگ کنگ آمده اند انجام آن را تاءیید می کنند " .  
 نویسنده دیگری به نام Hsueh Feng در همین نشریه با اطمینان بیشتری از  
 انجام سر شماری دوم چین خبر داده است . به گفته وی " در اول ژوئن ۱۹۶۴ دستور انجام  
 سر شماری از سوی مقامات مرکزی به استانداران صادر گردید . این امر بلافاصله به سطوح  
 و گروههای مختلف سازمانهای اداری استانها و سرویسهای سر شماری اعلام و دسته‌ها و  
 گروههای بازرسی در مدارس ، کارگاهها و سازمانهای دیگر تشکیل شد . در شهرستانها  
 واحد تولیدی یک اکیپ بازرسی ترتیب داد که در آن هر گروه مسئول بازرسی و کنترل  
 دو یا سه اکیپ تولیدی گردید " .

سر شماری ۱۹۶۴ در نیمه شب سی ام ژوئن برگزار گردید که نه تنها شامل  
 سئوالاتی در باره نام ، نام خانوادگی ، سن ، نژاد ، محل اقامت ، مذهب ، وضع  
 ازدواجی ، موقعیت شغلی و خانوادگی بود ، بلکه پاسخگو می بایست وضع خود را در  
 گذشته نیز در ستون مخصوصی تصریح می کرد که شامل فعالیت‌های سیاسی و موقعیت اجتماعی  
 وی در قبل از انقلاب بود . درجه صحت پاسخهای مورد انتظار به ۹۹/۸ درصد می رسید .  
 گرچه بنا بر نوشته Hsueh Feng نتایج سر شماری دوم چین منتشر نشد ،  
 لکن در حوالی ژوئن ۱۹۶۶ گفته شد که جمعیت کشور کمی بیش از ۷۱۳ میلیون نفر  
 (۷۱۳۴۰۰۰۰۰۰ نفر) است و برای نخستین بار رقم ۷۰۰ میلیون نفر جمعیت در ۱۱ مارس

۱۹۶۶ ، به جای رقم ۶۵۰ میلیون نفری که تا آن زمان در مورد جمعیت چین به کار میرفت ، در نوشته لین پیاو ذکر گردید و روزنامه مردم نیز برای اولین بار همین رقم را در ۸ ژوئن ۱۹۶۶ به کار برد . هر چند که این رقم شامل جمعیت حوزه های اداری کمتر از ده هزار نفر نمی شد و با احتساب آنها کل جمعیت چین بالغ بر ۷۲۰۱۰۰۰۰۰ نفر می گردید با این همه ، Alfred Sauvy و Paul Paillat آن را کمتر از رقم واقعی برآورد می نمایند و در مورد انجام سرشماری ۱۹۶۴ نیز ، با توجه به آنکه هیچ نشریه بولتنی مطلبی در این مورد انتشار نداده و انجام چنان امر بزرگی نمی توانست به طور سری صورت پذیرد ، به دیده تردید می نگرند .

از سال ۱۹۶۶ تا سال ۱۹۷۱ ، که به دوره انقلاب فرهنگی در چین معروف است ، هیچ گونه آمار و ارقامی درباره جمعیت این کشور منتشر نگردید ، لکن از روی اطلاعاتی که به طور پراکنده از سال ۱۹۷۲ به بعد در این مورد انتشار یافته است می توان گفت که در این دوره نیز اقدامات مربوط به کنترل موالید ادامه داشته و به موازات استفاده از وسایل جلوگیری از باروری ، آستانه سن ازدواج نیز به طور محسوسی بالا رفته است و این امر همچنانکه سردبیر نشریه Wen Wei Pao نیز تأکید نموده است از دیدگاههای مختلفی چون فیزیولوژی انسانی ، سطح سواد ، شغل والدین ، سلامت محیط زیست نسلهای آینده و بالاخره وضع اقتصادی و امکانات تأمین وسایل زندگی توده مردم مورد بررسی قرار گرفته است .

با آنکه بالا رفتن سن ازدواج به حدود ۲۵ سال ، نقش مهمی در کاهش میزان باروری اعمال می کند استفاده از روشهای دیگر کنترل موالید نیز در چین توسعه بیشتری می یابد و حتی روشهای جدیدی در زمینه Sterilisation زن و مرد ابتداء می شود و استفاده از این روش ، مخصوصاً " در بین زنان گسترش می یابد و در مورد جنبه های مختلف تنظیم خانواده همچنانکه رئیس قسمت بهداشت شانگهای اعلام نموده است پنج اقدام اساسی زیر صورت می گیرد :

- ۱- شناساندن صحیح برنامه .
- ۲- دنبال کردن اصول صحیح پزشکی و اعمال ابداعات فنی جدید .
- ۳- تأکید بر ایجاد فاصله بیشتر بین موالید .
- ۴- افزایش تعداد ماء موران بهداشت و بهبود وضع وسایل لازم .
- ۵- ایجاد تسهیلات لازم در جهت بهبود بخشیدن به کار گروهی موسساتی که به این برنامه می پیوندند .

علیرغم سیاست مارکسیستی جمعیت و نوشته های پایه گذاران آن مکتب ، امروزه تقریبا " تمام کشورهای سوسیالیستی به نوعی سیاست جمعیتی در جهت کنترل موانید دست زده اند . در چین از دلایل پنجانگانه ای صحبت می شود که به اسناد آن برنامه تنظیم و کنترل موالید جزء لاینفک یک جامعه سوسیالیستی محسوب می گردد و آن دلایل عبارتند از :

۱- تنظیم خانواده امکان می دهد تا بعد خانوار برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی تنظیم گردد .

۲- این برنامه تاءمین سلامت کامل مادران و کودکان را امکان پذیر می سازد .

۳- فرصت بیشتری برای کار و تحصیل به مادران می دهد .

۴- شرایط لازم را برای برخورداری از بهترین درجه تحصیل برای نسلهای روز به روز فزاینده جامعه فراهم می سازد .

۵- با تاءثیر گذاشتن بر روی بعد خانوار اثر خود را روی اقتصاد کشور نیز اعمال

می نماید .

امروزه در چین ، مخصوصا " با تاءکید بر این نکته که سوسیالیسم بر تر از رژیم قبلی است و در آن نیازی به اتکای افراد در ایام سالخوردگی به فرزندان خود وجود ندارد ، سعی کرده اند که علاوه بر جیره سرانه غذایی غلات ، که بین ۲۲۵ تا ۲۴۰ کیلو در سال است ، اضافه موجودی نیز برای کمک به کسانی که بدان نیاز مندند اختصاص یابد و علاوه بر آن پنج تضمین اساسی یعنی ، تاءمین غذا ، لباس ، مسکن ، مواظبتهای طبی ، و هزینه های کفن و دفن در مورد پیر زنان و پیر مردان بدون فرزند اجرا گردد .

بدین ترتیب از مجموعه آنچه که درباره سیاست جمعیتی چین گفته شد می توان نتیجه گرفت که مسائل و مشکلات جمعیتی حدمرز سیاسی و جغرافیایی نمی شناسد و تئوریهای سیاسی نیز همیشه به همان صورتی که عنوان شده اند قابل عمل نیستند . چه در حال حاضر پایین ترین میزان موالید در جهان به آن دسته از کشورهایی که قبل از همه شروع به کنترل موالید نموده اند تعلق ندارد ، بلکه این سطح مربوط به کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی است که علی الاصول می بایست مخالف کنترل موالید باشند . شاید واقعا " آنچه که در جریان کنفرانس جهانی جمعیت در سال ۱۹۷۴ پیش آمد نقطه عطفی در سیاستها و برداشتهای جهانی درباره جمعیت باشد ، زیرا در این کنفرانس ، کشورهای بانظامهای حکومتی کاملا " متفاوت ، در قبال مسائل جمعیتی نقطه نظرهای

کاملاً" مشابهی ارائه نموده به عنوان مثال: در بررسی رابطه بین رشد جمعیت و مسائل اقتصادی، کشورهای فرانسوی زبان جنوب صحرای افریقا، الجزایر، آرژانتین، چین، آلبانی، رومانی، کوبا و پرو در گروه واحدی قرار گرفته و نظر مشترکی دادند، حال آنکه آن کشورها از نقطه نظر سیاسی در موارد سیستمهای حکومتی و طرز تفکر ملی، نظرهای کاملاً متضادی داشته اند.

نکته مهمی که ذکر آن در اینجا بسیار ضروری است تباین آشکار بین نظر و عمل از دیدگاه سیاست جمعیتی در چین است. مثلاً در حالی که این کشور داشتن جمعیت زیاد را برای کشورهای جهان سوم توصیه نموده و منشاء مسائل و مشکلات جمعیتی را نارسائیهای نظام اقتصادی-اجتماعی کشورها به حساب می آورد و به همراه دیگر کشورهای هم گروه خود در کنفرانس جهانی جمعیت بخارست تنظیم خانواده را وسیله ای تلقی می کند که کشورهای مالتوسی با توصیه آن به کشورهای فقیر می خواهند دقت و توجه عمومی را از مسائل و مشکلات واقعی رشد و توسعه برگردانده و بدان وسیله باز هم نابرابری های موجود در جهان را حفظ نمایند خود عملاً "از سال ۱۹۵۶ و به طور مداوم از سال ۱۹۶۲ به بعد تلاشهای وسیعی در جهت کنترل موالید به عمل می آورد که نتایج آن امروزه در تحول جمعیتی آن کشور ملموس و غیر قابل انکار است. در توجیه این امر شاید بتوان گفت که مسائل و مشکلات کنونی چین با کشورهای در حال رشد جهان یکی نیست و لاجرم راه حل های آن نیز متفاوت می باشد.

برای اطلاع بیشتر به منابع زیر مراجعه فرمائید

Ping ti Ho, "Studies on the Population of China, 1368 - 1953," Harvard East Asian Studies, 1959.

J.D. Durand, "The Population Statistics of China," Population Studies, vol.13 London, 1960.

Ten Great Years, "Statistics of the Economic and Cultural Achievements of the People's Republic of China", Peking, 1960.

Roland Pressat "La Population de La Chine, Structure et Evolution Recente", Population No. 4 Paris, 1961.

M. Freeberne "Birth Control in China", Population Studies, vol .18, No.1 London, 1964.

Colin Clark "L'accroissement de la Population de la Chine", Population, No.3, Paris, 1964.

T.Chen "Population in Modern China "The American Journal of Sociology, U.S.A. vol.L II No.1, 1964.

John S.Aird "Estimates and Projection of the Population of Mainland China", Bureau of the Census, Washington, 1964.

Colin Clark "La Population de La Chine Depuis 1915", Population No.6, Paris, 1966.

"La Situation demographique dans le Monde en 1970", Etudes Demographiques, No.49, Nations- Unies, New York, 1972.

"Le Planning Familial en Chine de 1960 a 1966", Population Council, vol.4, No.8, Paris, 1974.

Alfred Sauvy, Paul Paillat, "La Population de La Chine. Evolution et Perspectives", Population No. 3, Paris, 1974.